

## واژه‌گزینی در تاجیکستان و بعضی مشکلات آن

محمد جان شکوری (عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی - از تاجیکستان)  
(م. شکوراف)

دو سال پیش‌تر از پاشخورد [= فروپاشی] امپراتوری شوروی، یعنی ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۸۹، شورای عالی (پارلمان) جمهوری تاجیکستان سندی به نام قانون زبان تصویب کرد. طبق این سند، زبان فارسی تاجیکی زبان رسمی دولت اعلان شد و لازم آمد که اداره‌های دولتی و غیردولتی، تعلیم‌گاه‌های میانه و عالی [= مدارس متوسطه و عالی]، مؤسسه‌های فرهنگی و علمی و غیره، که اکثراً به زبان روسی کارگزاری می‌کردند، همه کار خود را به زبان ملی جمهوری بگذارند. برای اجرای قانون زبان، حکومت تاجیکستان یک سلسله چاره‌ها اندیشید. از جمله، سال ۱۹۸۹، کمیته اصطلاحات تأسیس شد.

مؤسسه واژه‌گزینی در تاجیکستان پیش از آن هم موجود بوده، از سال ۱۹۳۳ عمل می‌کرده؛ ولی، در این بین، چند بار کار آن قطع گردیده چنانچه، از نیمه دهه هشتادم [= دهه هشتم قرن]، کشور ماهیتاً بدون چنین مؤسسه‌ای مانده بود. اما قانون زبان را بدون اصطلاحات اداری و علمی و فنی اجرا کردن امکان نداشت. از این رو، کار کمیته اصطلاحات را که بخشی از فرهنگستان علوم تاجیکستان است، تا حد امکان گسترش دادن ضرور بود. کمیته زود به ترتیب دادن اصطلاحات اداری آغاز کرد. در اندک مدت، برای اداره‌ها و مؤسسه‌ها و کارخانه‌ها اصطلاحات اداری ساخته شد و اکثر وزارت‌ها، بسیاری از سازمان‌ها، شرکت‌ها و غیره با اصطلاحات مورد نیاز اولیه تأمین گردیدند. در ایام جنگ‌های سخت داخلی، که سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ اوج گرفت، نیز کارمندان

کمیته اصطلاحات سرعت کار را کم نکردند؛ چنانچه لغت مختصر علاقه [علاقه = پست و تلگراف] سال ۱۹۹۲، فرهنگ اصطلاحات کارگزاری سال ۱۹۹۳، فرهنگ اصطلاحات انشاءات آبیاری سال ۱۹۹۴ چاپ شد. در زمانی که در کشور چاپ کتاب و مجله حتی روزنامه قطع شده بود، طبع و نشر فرهنگ‌های نامبرده به دشواری زیاد دست داد. در همان سال‌ها، این چنین کتابی با عنوان اسناد دادرسی تفتیشات پیشکی [پیشکی = قبلی] آماده و سال ۱۹۹۴ از چاپ برآمد که عبارت از نمونه ۱۷۳ سند دادگاه و عده‌ای از اصطلاحات حقوق است.

در عین زمان [= در عین حال]، چند فرهنگ دانش‌واژه‌ها آماده چاپ شد. یکی از آنها فرهنگ روان‌پزشکی (۴۵۰ صفحه) می‌باشد که دانشمند شناخته، پروفیسور منهای غلام‌اف، با یک گروه شاگردانش تألیف کرده‌اند و محمدجان رسولی، از پزشکان اصطلاح‌شناس، ویرایش آن را انجام داده است. این فرهنگ را میرزاحسن سلطان، اصطلاح‌شناس جوان، به چاپ آماده ساخت و بسیاری از اصطلاحات را به اصول تازه کمیته اصطلاحات سازگار آورد و لازم آمد که با این مقصد واژه‌های نوی بسازد و از دست‌آوردهای دانشمندان ایران استفاده نماید.

میرزاحسن سلطان چنین کاری را در فرهنگ گوش و گلو و بینی (۵۰۰ صفحه) اجرا کرد. این فرهنگ را پروفیسور یوسف اسحاقی، دانشمند نمایان کشور، ع. عمراف، پزشک ورزیده، تهیه کرده و محمدجان رسولی قلم ویرایش رانده است. فرهنگ گوش و گلو و بینی و فرهنگ روان‌پزشکی این چنین جستارهای میرزاحسن سلطان، که در تصحیح این دو اثر زیر نظارت بنده نگارنده کار کرد، برای شکل تدریجی اصول علمی کمیته اصطلاحات اهمیت جداگانه دارد.

دریغ صد دریغ که سال ۱۹۹۶ استاد یوسف اسحاقی، استاد منهای غلام‌اف و حشیانه ترور شدند و با استاد محمد عاصمی، استاد مایان شاه‌نظر شاه‌اف و هنرپیشگان [= هنرمندان] نامی، کرامت الله قربان‌اف، محی‌الدین عالم‌پور و دیگر روشن‌فکران فداکار از بین شهیدان راه علم و فرهنگ جا گرفتند. یک سبب این که دو فرهنگ مذکور طب هنوز چاپ نشده است مرگ فجیعانه اسحاقی و غلام‌اف است.

نه تنها آن دو فرهنگ بزرگ، بلکه اکثر محصول کار کمیته اصطلاحات، چنانچه بسیار فرهنگ‌های اصطلاحات ساحه‌ای [= رشته‌ای، حوزه‌ای]، که برای وزارت‌ها و بعضی

بخش‌های آنها، برای کارخانه‌ها، شرکت‌ها و غیره ساخته شد هنوز به طبع نرسیده است. چاپ نخستین «واژه‌نامه»ی علمی و اطلاعاتی، که می‌خواستیم سالی یک بار ترتیب بدهیم، میسر نشد. در اول‌ها نمونه‌واژه‌هایی که کمیته اصطلاحات تصویب کرده است، پیش‌پیش، در روزنامه‌های مرکزی حتی در بعضی روزنامه‌های ناحیه‌ای چاپ می‌شد؛ ولی، بعد، این امکان هم از دست رفت.

با این همه، میسر گردید که اصول اساسی کار کمیته اصطلاحات به دقت اهل علم و منفعت‌داران [= مراجع ذینفع] رسانده شود تا که برای گرفتن فکر دانشمندان و اهل کار امکان داشته باشیم. اصول علمی کمیته در چند مقاله بیان شد، از جمله در مقاله مفصل مؤلف این سطرها، با عنوان «اصطلاحات و زبان ملی»، آمده است که چند بار به چاپ رسید و هم‌چنین به کتاب مؤلف خراسان است اینجا (چاپ فارسی ۱۹۹۶)، چاپ تاجیکی (۱۹۹۷) داخل گردیده بود.

مؤسسه واژه‌گزینی تاجیکستان حالا به مشکلات زیادی روبه‌رو آمده است. مشکلات ما قسمتاً از آن جا سر می‌زند که اصول علمی کمیته اصطلاحات نسبت به اصول چهل پنجاه سال پیش به کلی نو است. آشکار است که اکثراً هر چیز نو، به ویژه اصول تازه علمی، در اول پیدایش آن به مقابله دچار می‌آید و، اگر پیدایش آن به وضع اجتماعی و سیاسی جامعه وابستگی داشته باشد، ممکن است ممانعت سختی ببیند. حالا تاجیکستان در سر راه استقلال قرار دارد و به چنگال بحران عمومی دست و پا می‌زند. انقلاب، جنگ داخلی، خرابی اقتصاد، دیگرگونی‌های سیاسی، فاجعه ملی عادتاً در بعضی موردها خود آگاهی ملت را تکان داده عمیق می‌برد و در بعضی موردها برعکس مانع عمیق‌رفت شعور اجتماعی می‌آید و در راه اندیشه ملی، که باید برابر زمان پیش رود، ممانعت ایجاد می‌کند. در تاجیکستان حالا، هر دوی این حالت دیده می‌شود؛ لیکن رویه دوم بیشتر گسترش و نفوذ داشته و میدان رشد زبان ملی را تنگ کرده است.

در کشور شوروی، به ویژه از نیمه دهه سوم قرن بیستم، ترور استالینی به اوج اعلی رسید و در همه جمهوری‌های شوروی، از جمله در تاجیکستان، علم و فرهنگ، زبان، واژه‌گزینی در زیر فشار سخت سیاست استعماری قرار گرفت. یک طلب [= درخواست] سیاست شوروی این بود که دانش‌واژه‌ها [= اصطلاحات علمی] در همه زبان‌های ملی کشور عیناً از روسی گرفته شود. وام‌گیری عینی مجبوری باعث خرابی زبان فارسی

تاجیکی شد: وسیله‌های واژه‌سازی و عباره‌بندی زبان ملی را از فعالیت بازداشت، مانع رشد امکانات داخلی زبان گردید، بسیار خصوصیت‌های زبان بیگانه را، که خلاف طبیعت فارسی تاجیکی اند، وارد آورد. از این رو، کمیته نو تأسیس اصطلاحات، از اول، از آثار تهاجم فرهنگی استعمارگران پاک کردن واژه‌گزینی فارسی تاجیکی را وظیفه اساسی خود دانست و تصمیم گرفت که از وام‌گیری کلی قطعاً دست کشد. اساساً به اندوخته‌های لغوی زبان ملی، عنعنه [= سنت]‌های معمول و امکانات داخلی آن باید تکیه کرد و اصطلاحات ملی زمانی به وجود آورد.

این اصل علمی کمیته اصطلاحات به مقابله سخت اهل علم، حتی تمام جامعه، به‌ویژه دایره‌های رسمی، دچار آمد. مردم به اصطلاحات اروپایی عادت کرده‌اند. برابرهای نو فارسی تاجیکی، که کمیته اصطلاحات به تصویب رسانیده است، به نظرها غریب می‌نماید. مردم به دشواری‌های از خود کردن واژه‌های تازه تن دادن نمی‌خواهند. عقیده‌ای پیدا شده است که اصطلاحات روسی اروپایی ملت تاجیک را به جهان و علم و فن جهانی می‌پیوندد؛ اما دانش واژه‌های نو فارسی، برعکس، ما را از جهان جدا می‌کند. می‌گویند که علم و فن حادثه بین‌المللی است و واژگان آن نیز به فارسی تاجیکی باید بین‌المللی باشد تا که دست یافتن به موفقیت‌های کشورهای دیگر آسان شود و هكذا.

به این عقیده از چند جهت نمی‌توان راضی شد. شک نیست که علم و فن پدیده‌ای بین‌المللی است و مضمون و مندرجه آن در همه کشورهای یک است. ولی، به هر حال، علم و فن جهانی هم مکتب‌های ملی دارد و ممکن است که در بعضی منطقه‌ها رشد آن ویژگی پیدا کند. مهم‌تر آن است که علم و فن در همه جهان به یک زبان ایجاد نمی‌شود بلکه هر کشور و هر منطقه در علم و فن دارای زبان خاص خود است. پیشرفت علمی و فنی جهان امروز همه ملت‌ها را فرا می‌گیرد و بسیار زبان‌های ملی به جریان پیشرفت علمی و فنی کشیده می‌شوند. کامیابی‌های نو به نو علم و فن باعث اقتدارافزایی زبان‌های ملی می‌گردد. ولی دارایی‌افزایی زبان ملی نمی‌تواند از وام‌گیری و نسخه‌برداری محض عبارت باشد. اگرچه در واژه‌گزینی از وام‌گیری‌گزیر نیست و در بسیار موردها از زبان‌های غرب و شرق بعضی واژه‌ها را عیناً گرفتن لازم می‌آید، با وجود این نباید فراموش کرد که وام‌گیری عینی و نسخه‌برداری محض عنصرهای بیگانه و خصوصیت‌های خلاف طبیعت زبان ملی را زیاد وارد می‌آورد و زبان ملی را خراب می‌کند. زبان ملی، با ترقی

دادن امکانات خاص خود، با فعال کردن وسیله‌های ویژه خود، با افزودن پویایی و زیایی خویش، زبان علم می‌شود. عنصرهای بیگانه فقط یک جزء این روند و حتماً جزء مفید و بی‌ضرر خواهد بود. ضرور است که زبان فارسی تاجیکی را به درجه زبان علم زمانی برسانیم. ملتی که زبان علم ندارد ملت کامل نیست و زبان او از بعضی جهت‌ها عاجز و ناتوان است و، به یک حساب، هنوز زبان ملی نشده است. از این جا ضرورت به وجود آوردن اصطلاحات ملی علم و فن پیش آمده است.

چون امروز تاجیکستان به استقلال رسیده است، نباید از یاد برد که استقلال فرهنگی لازم ذات استقلال ملی است و شه‌پایه دولت ملی همانا زبان ملی است و تأمین رشد و تکامل آن و به وجود آوردن زبان علم و اصطلاحات ملی از جمله مهم‌ترین فرموده‌های تاریخ است. متأسفانه، این ضرورت در جامعه هنوز عمیقاً درک نشده است و این یکی از مانع‌های رشد اجتماعی و فرهنگی و شعور ملی است.

از این جاست که چندی از اصول کمیته اصطلاحات تاجیکستان ضدیت سخت می‌بیند و یکی از آنها مبارزه با ساده‌گرایی و با بیان عوامانه است. در زمان شوروی، مفهوم «خَلْقیت زبان» پیدا شد که یک معنای آن ساده کردن زبان و به عامه خلق نزدیک آوردن آن است. اما این مفهوم را نادرست معنی می‌دادند و نه آن ساده‌نویسی و ساده‌گویی را، که ذاتاً پدیده‌ای مثبت و مطلوب است، بلکه عادی‌گویی پست، سخن عوامانه، به درجه سخن بی‌نظام کوچ و بازار پایین آوردن زبان را در نظر داشتند و طلب می‌کردند. در نتیجه، متانت سخن از بین رفتن گرفت. یک سبب به میان آمدن تفکر قالبی همین بود. سخن پست محک عوامانه نه تنها روزنامه‌ها و مجله‌ها، رادیو و تلویزیون، کتاب‌های درسی، ترجمه نوشته‌های اجتماعی و سیاسی و علمی را فرا گرفت بلکه به زبان ادبیات بدیعی، حتی به سخن استاد صدرالدین عینی (به ویژه به آن اثرهای او که بعد ترور استالینی سال ۱۹۳۷ نوشته شده‌اند) راه یافت. از دهه ششم قرن بیستم، بعضی شاعران و نثرنویسان و روزنامه‌نگاران به سخن پارسی اصیل روی آوردند و کوشش آنها نتیجه‌های مهم داد؛ ولی تفکر قالبی خیلی جان سخت یوده است و اکثریت جامعه هنوز پیرو همان «خَلْقیت» دروغین است.

در آخر عمر امپراتوری شوروی - نیمه دهه هشتم - چون مبارزه همگانی در راه پیش‌گیری انقراض زبان فارسی تاجیکی آغاز یافت و این تلاش باعث بلند شدن شعور

اجتماعی گردید و شعور ملی را رشد بخشید، در بعضی قشرهای جامعه ضرورت اصلاح زبان ملی و از چنگال بیماری ساده‌گرایی و ترجمه‌زدگی رهایی دادن آن یک‌اندازه درک شد. در بعضی دایره‌ها، آن حقیقت درک شدن گرفت که بر اثر سیاست ملیت‌زدایی شوروی و با فشار پرزور زبان روسی، که زبان حکمران قلمرو امپراتوری بود، زبان فارسی تاجیکی عاجز و ناتوان شده است و زبان معیار، زبان مطبوعات و نشریات تاجیکستان رو به خرابی آورده است و، برای آن که زبان ملی ما دوباره جان بگیرد، ضرور است که ملت رو به آغازگاه‌های خود بیاورد، از سرگه [= آغازگاه] و سرچشمه‌های هستی معنوی خود سیراب شود و از اصالت سخن فارسی بهره‌ور گردد. چون جامعه به درک این ضرورت نزدیک شدن گرفت، در دل بسیاری از جوانان خواهشی پیدا شد که زبان خود را بدانند و به گنجینه‌های فارسی ناب دست یابند.

نخستین پیش‌نهادهای کمیته اصطلاحات تاجیکستان در سایه این روخ‌بلندی ملی پیدا آمدند و برای افزایش آن خدمت کردند. واژه‌هایی چون زادنامه (به جای «شهادت‌نامه درباره تولد») ثبت فرزندخواندی (به جای «قید آکت درباره به پسری یا دختری قبول کنی»)، کشتی زیرپال (به جای «کشتی قنات‌های زیرآبی داشته»)، پاداش اضافه‌کاری (به جای «مکافات‌دهی برای وقت اضافه بر مدت کار»)، کارجامه (به جای «لباس مخصوص کار»)، کهنه‌دوزی (به جای «تعمیر پای‌افزال») و صدها از این قبیل کلمه و عباره‌ها که کمیته اصطلاحات تصویب کرد خوش استقبال شدند. بعضی این واژه‌ها از اندوخته‌های موجوده زبان، برخی از واژه‌گزینی کنونی دانشمندان ایران گرفته شده، چندی ساخته خود کارمندان کمیته بود. ما از مأخذهای گوناگون استفاده کردیم. از طرف اهل جامعه با شادی و خرسندی بی‌نهایت پذیرفته شدن تصویب‌های کمیته اصطلاحات قوت دل کارمندان کمیته را می‌افزود، اعتقاد آنها را به اصول خود زیاد می‌کرد. کارمندان ما احساس می‌نمودند که جست و جویهای ایجادگرانه، به ویژه کامیابی‌های آنها، هر دفعه تکانی برای بالاروی شعور ملی می‌گردد. ما آنگاه به چشم خود دیدیم که مسئله زبان و واژه‌گزینی در مرکز دقت اهل جامعه قرار یافته است. اداره‌ها و مؤسسه‌ها کوشش می‌کردند که هنگام کار خود جهت بعضی واژه‌ها از کمیته اصطلاحات مصلحت بپرسند. حکومت تاجیکستان، در هنگام تأسیس وزارت و اداره تازه‌ای، نام‌گذاری آن را از کمیته اصطلاحات خواهش می‌کرد تا که نام زیبای تاجیکی بیایم، یعنی نامی که ترجمه ساخته و

مصنوعی از روسی نباشد. اینها همه نشانه‌هویت‌جویی بود و گواهی از آن می‌داد که ملت به راه استقلال واقعی، از جمله به جاده استقلال طبع، استقلال زبان و فرهنگ قدم زدن می‌خواهد.

واژه‌هایی هستند که در دوران خودجویی و خودرسی ملت رهنمای سرمنزل حقیقت می‌توانند بود. گاه یک واژه، اگر هنگام ضرورت به کار گرفته شود، می‌تواند خودشناسی مردم را قدمی پیش برد. به زبان فارسی واژه‌هایی چون فرهنگ، دستور، دبیر، دبیرستان، دبستان، دیوان، دفتر، داد، دادگاه و غیره هر کدامی گویا یک سند تاریخ‌اند که از عهد باستان در میان مردم ما وجود داشتن مفهومی مهم تمدن عالی را گواهی می‌دهند. ما این واژه‌ها را باید مایه سربلندی بدانیم، برابر سرود ملی و پرچم ملی عزیز داریم، به عنوان نشان ملی به کار بریم. با این مقصد، کمیته اصطلاحات کلمه‌هایی از قبیل فرهنگستان، دانش‌نامه، دستور (دستور اساسی به جای «قانون اساسی»)، پژوهشگاه، دادستان و مانند اینها را چون مایه افتخار ملی پیش‌رانند. بعضی از اهل ضیاء [= روشن‌فکران]، به خصوص برخی از کارکنان رسمی، کاربرد این واژه‌ها را نشانه‌کهنه‌پرستی و به سوی عصرهای گذشته عقب کشیدن زبان دانستند و مباحثه اوج گرفت. چون بنده سال ۱۹۹۱ پیش‌نهاد کردم که «کابینه وزیران» و «شورای وزیران» باید دیوان وزیران نامیده شود، باز، از هر سو، ناراضیگی صدا داد؛ لیکن، به هر حال، نخستین رئیس جمهور تاجیکستان، قهار محکم‌اف، در پی این بحث بنده را به دفتر پذیرفت. ما در سرهمین یک کلمه دیوان یک ساعت صحبت کردیم و عاقبت او راضی شد که این تصویب‌نامه کمیته اصطلاحات درباره دیوان وزیران به شورای عالی تاجیکستان پیش‌نهاد گردد. شورای عالی، با دست‌گیری رئیس جمهور، این اصطلاح را تصویب کرد. این است که در سال‌های بالاروی خودشناسی ملی میسر شده بود که درباره یک واژه یک ساعت با رئیس جمهور بحث کنیم! این هم نشانی از آن بود که جامعه در مسئله زبان و فرهنگ به راه درست داخل شدن دارد.

متأسفانه آن خودجویی و خودرسی‌ها دیر دوام نکرد. در جمهوری، ناآرامی و، از سال ۱۹۹۳، جنگ خانگی آغاز یافت. کشور خراب شد، ملت تلفات جانی و مالی زیاد داد. قریب دو میلیون نفر سرگریز شدند و حالا، در کشورهای نزدیک و دور، برای دیگر ملت‌ها خدمت می‌کنند یا به خواری و زاری در به درند.

بحران همه‌گیر ملی اندیشهٔ اجتماعی را کند کرد. غلبهٔ محل‌گرایی خودجویی ملی را به درجهٔ نیستی رسانید.

از این جاست که امروز بازجست‌های واژه‌گزینان تاجیک جالب دقت نمی‌آید. جامعه به مسئلهٔ اصطلاحات و زبان و فرهنگ با دید بی‌تفاوتی می‌نگرد. گاه، حتی، نسبت به طرح این مسئله‌ها بدگمانی ظاهر می‌نماید. این هم بی‌سبب نیست. بحران فقط اقتصاد و یا تنها زندگی اجتماعی و سیاسی را فرا نگرفته است بلکه پدیده‌ای همگانی است. بحران معنوی است و ذهن‌ها را کند کرده است. بیشتر از همه فرهنگ، مکتب و معارف، علم و فن آسیب دید و خودآگاهی ملی کاهش یافت. ذاتاً زندگی پرارزش ملی و سخت‌جویی‌های معنوی فراگیر اساس تکامل زبان است و رشد زبان ملی، در نوبت خود، برای رشد معنوی ملت، راه هموار می‌کند. سست شدن پایهٔ معنوی زندگی حتماً به اندیشهٔ اجتماعی و همهٔ رشته‌های فرهنگ نقشی منفی می‌گذارد. حالا وضع زبان فارسی تاجیکی در ماوراءالنهر بدتر از آن است که در زمان شوروی بود. نه تنها در بخارا و سمرقند، که در هیئت ازبکستان مانده‌اند، تعقیب تاجیکان و زبان فارسی تاجیکی سخت‌تر شده است بلکه در تاجیکستان، چنانچه در شهر دوشنبه، حسن سخن مردم کاهیده است. آنچه ما مدنیت سخن می‌نامیم، یعنی نشانه‌های سواد، لااقل سواد میانه‌حال، درست گپ زدن، در گفتار و نوشتار دور نرفتن از زبان معیار و مانند اینها کم به دید می‌آید محرومیت از طبع بلند عمیق‌تر می‌رود.

در دههٔ سوم قرن بیست، در بسیاری از جمهوری‌های شوروی، معرکهٔ محرومی سواد برقرار شده و همهٔ بی‌سوادان با آموزشی سه ماهه سواد برآوردند، یعنی نوشتن نام خود را یاد گرفتند. آنگاه دستگاه ایدئولوژی شوروی اعلان کرد که مردم شوروی دیگر صد در صد سوادناک‌اند. چون در شوروی تحصیل حتمی ده‌ساله جاری شد، آن پندار که جامعهٔ شوروی جامعهٔ خوش سوادان است استوار گردید. مکتب میانه [= مدرسهٔ متوسطه] شوروی در تعلیم علم‌های دقیق و طبیعی خیلی دست آورد داشت؛ اما، در تأمین سواد بلند، در تربیهٔ فرهنگی و معنوی، به ویژه در تاجیکستان، نقصان کم نبود. امروز هم سرمنشأ ترجمه‌زدگی مکتب [= مدرسه] تاجیکی است، زیرا همهٔ کتاب‌های درسی از روسی ترجمه شده‌اند و صفت ترجمه اکثراً خوب نیست. صدرالدین عینی گفته بود که «دشمنِ قاتل زبان ترجمان [= مترجم] است». ما باید علاوه



کنیم که زبان فارسی تاجیکی امروز گرفتار سرینجه همین دشمن قتال است. ما همه ترجمه زده هستیم. ترجمه زدگی یکی از آفت‌های بزرگ است که به سر زبان ملی آمده است. جامعه‌ای که به این بلا گرفتار است، برای تأمین رشد زبان ملی، کم امکان دارد و باید جد و جهد ویژه پیش بگیرد تا این درد را برطرف بکند و راهی به سلامت بیاید.

در جامعه ما این حقیقت نیز هنوز درک نشده است. پندار همگان این است که، چون تحصیل حتمی [= اجباری] ده ساله دیده‌ایم، سراسر باسواد هستیم، زبان خود را می‌دانیم و آنهایی که سواد ما و زبان ما را پُر نقصان می‌شمارند عیب‌جویی بیش نیستند، از زیر ناخن ما چرک می‌کاوند و می‌خواهند ما را به راه دیگر، به راه نامطلوب، ببرند.

این پندار در ایام بحرانی ما خیلی قوت گرفته است و یکی از مانع‌های راه واژه‌گزینی و اصول نو اصطلاحات است؛ به پرورش طبع سلیم و رهایی از ترجمه زدگی، به دور کردن طبع مردم از گپ آب شسته و سخن عوامانه خلل می‌رساند. اکثر اصطلاح‌گزین‌ها، مؤلفان فرهنگ‌های اصطلاحات و آنهایی که اصطلاحات برای کارگیری آنها ترتیب یافته است، هنوز به ماهیت رویه تازه واژه‌گزینی و ضرورت آن چندان پی نبرده‌اند؛ در زبان، برای فرق کردن سره از سقط هنوز آماده نیستند. هنوز درک نشده است که مثلاً کلمه و عباره‌هایی از قبیل «مال شناخته نشده»، «مبلغ پرداخته نشده»، «شخص قابلیت کار نداشته» و امثال اینها، که نه تنها در فرهنگ‌های اصطلاحات بلکه گاه در نوشته‌های نویسندگان نامدار نیز دیده می‌شوند، اکثراً محصول طبع نارسا می‌باشند؛ زیرا بالای هم آمدن دو صفت فعلی (صفت فاعلی یا صفت مفعولی مانند «شناخته + شده») خوب نیست و، در مورد‌های بالا، «مال ناشناخته»، «مبلغ ناپرداخته»، «شخص کارناشایم» یا چیزی مثل این گفتن شاید بهتر می‌بود. مورد‌ناشناسی، عاجزی از دریافت شکل درست بیان و قالب مطلوب، که در مطبوعات و نشریات تاجیکی زیاد به نظر می‌رسد، صفت کار واژه‌گزین‌ها را نیز پست کرده است. ما اکثراً فراموش می‌کنیم که هر کلمه و عباره نمی‌تواند اصطلاح باشد و از این سبب گاه بهتر است که از کلمه و عباره‌ای که مفهوم است دست کشیده کلمه و عباره‌ای را که در نظر اول نامفهوم می‌نماید یا کم مفهومیت دارد، به صفت اصطلاح، قبول نماییم. از جمله، لازم می‌آید که، در فرهنگ‌های اصطلاحات، از عباره‌هایی چون «ویران کردن حقوق مأموری»، که به عنوان اصطلاح آورده‌اند، دست بکشیم و به یاد داشته باشیم که این سخن هیچ خصوصیت اصطلاح را

ندارد. برای این که در این مورد اصطلاح ساخته باشیم، لافل «حقوق شکنی اداری» گفتن لازم می‌آید، آنگاه عبارته به اصطلاح نزدیکی پیدا می‌کند. به این وجه، عبارته «به گناه خود اقرار شدن»، که در واژه‌نامه حقوق آمده است، نیز اصطلاح نمی‌تواند بود؛ زیرا ریختگی و سفتگی اصطلاح را صاحب نیست و، در این مورد، اگر «اقرار اختیاری» بگوییم، شاید اصطلاح ساخته باشیم. آنگاه «به گناه خود اقرار شدن» معنی دار اصطلاح «اقرار اختیاری» خواهد بود. چندانکه عبارته «گذرگاه زیرزمینی» در تاجیکستان اصطلاح به شمار می‌آید؛ ولی، چون واژه موجز و زیبای «زیرگذر» پیدا شد (کیهان هوایی، ۲ بهمن ۱۳۷۲=۹ فبریه ۱۹۹۴)، ما آن را به عنوان اصطلاح پذیرفتیم و اکنون عبارته «گذرگاه زیرزمینی»، در نظر ما، ایضاً اصطلاح «زیرگذر» است و بس. اما بسیار کسان «زیرگذر» را قبول ندارند، آن را یک واژه ساخته و صنعتی و غیرطبیعی و دور از فهم می‌دانند. به نظر آنها، «گذرگاه زیرزمینی» بیشتر قابل قبول است؛ زیرا چون و چرایی به میان نمی‌آرد، احتیاج به شرحی ندارد، سخن عادتاً گوش‌نشسته‌ای است. چنین قصور حالا زیاد نفوذ دارد و آثار آن در فرهنگ‌هایی که با تصدیق کمیته اصطلاحات تاجیکستان به طبع رسیده‌اند نیز گاه‌گاه به دید می‌آید. لیکن در هیئت رئیسه کمیته اصطلاحات، خوش‌طبعانی نیز هستند که قایل‌اند از سخن آب‌شسته پیش‌گیری کنند؛ چنانچه استناد لایق، شاعر زبردست تاجیک، که واژه «چرخ‌بال» از اختراعات او بوده و از طبع بلندش دیگر گواه لازم نیست، در هیئت ریاست، پرثمر کار می‌کند.

متأسفانه هیئت کارمندان سازمانی کمیته اصطلاحات، که در اول عبارت از هفت نفر بودند، در اثر بحران اقتصادی کشور، کم‌کم پراکنده شدند و امروز ماهیتاً دو نفر مانده‌اند. دو نفر هرگز نمی‌تواند بار گران واژه‌گزینی را بر دوش داشته باشد. ضرور است که امکانات اقتصادی پیدا بکنیم و از جوانان با استعداد اصطلاح‌شناسان سلیم‌طبعی آماده سازیم که این هم، البته، خیلی فرصت می‌طلبد.

دشوارتر آن است که جامعه را برای درک لزوم چنین متخصصان تیار [= مستعد و آماده] بکنیم. باید، نه تنها از بین زبان‌شناسان بلکه در همه رشته‌های دانش، اصطلاح‌شناسان دارای اختصاص [= تخصص] عالی داشته باشیم. اصطلاح‌شناسی خود یک بخش علم است که باید اساس‌های نظری و جنبه عملی آن پژوهش شود. این پژوهش را کارشناسانی که آمادگی ویژه دارند می‌توانند انجام بدهند.

واژه‌گزینی و واژه‌شناسی از آن بخش‌های زبان‌شناسی است که تا اندازه‌ای جنبه اجتماعی دارد و گاه تمایلات آن هم‌پسته به وضع اجتماعی و سیاسی کشور خواهد بود. فرایندهای فرهنگی جامعه و خودشناسی اجتماعی و معنوی ملت در رشد واژه‌گزینی نقشی نمایان می‌گذارد. زمینه اساسی رشد واژه‌گزینی رشد علم و فن است. شرکت فعالانه فرزندان ملت و دانشمندان کشور را در رونق و رواج علم از عمده‌ترین شرط‌های تشکل زبان علم و اصطلاحات دانسته‌اند که به درستی این عقیده شبهه‌ای نیست. اگر به زبان ملی علم به وجود آوریم، زبان علم نیز شکل می‌گیرد. در عین حال، چنان‌که از تاریخ ما ایرانیان و بسیار خلق‌های دیگر به ثبوت رسیده است، ترجمه آثار علمی از زبان‌های پیش‌رفته یکی از عامل‌های مهم در شکل‌گیری زبان علم و اصطلاحات ملی است. ولی از تجربه تاجیکان آسیای میانه این هم یقین شد که فعالیت ترجمان‌ها نه همیشه می‌تواند واژه‌گزینی و زبان علم را به راه درست درآورد و، در این کار، تنها با فعالیت ترجمان‌ها محدود نباید شد. واژه‌گزینی فقط نتیجه فعالیت عملی ترجمان نیست و باید اساس علمی و نظری داشته باشد. ترجمانی، علم‌آفرینی و تحقیق علمی اصطلاح‌شناسی باید برابر (= به موازات یکدیگر) دوام یابد. آنگاه زبان علم و واژه‌گزینی یک واسطه اقتدار افزودن زبان ملی، یک وسیله پیش‌رفت اجتماعی و معنوی ملت خواهد شد.

امید است که فرایندهای اجتماعی و فرهنگی جامعه تاجیکان در قرن بیست و یکم پایه بر اندیشه ملی خواهد داشت، جامعه را در خودشناسی تاریخی و خودآگاهی ملی به پایه‌های بلند خواهد رسانید. آنگاه، برای ترقی علم و فن، برای حل مسئله‌های عمده واژه‌گزینی و زبان علم، امکان بیشتر فراهم خواهد شد.

